

شما دانشگاهی‌ها کوشش کنید که انسان درست کنید. اگر انسان درست کردید، مملکت خودتان را نجات می‌دهید. اگر انسان متعهد درست کردید، انسان امین، انسان معتقد به یک عالم دیگر، انسان معتقد به خدا، مؤمن به خدا، اگر این انسان در دانشگاه‌های شما و ما تربیت شد، مملکتتان را نجات می‌دهد. (صحیفه امام- ج ۸- ص ۶۷-۶۸)



M o s t a g h e l A T U

شماره نهم

هفته چهارم فروردین ۱۴۰۱

انجمن اسلامی دانشجویان مستقل دانشکده الهیات

گاهنامه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی معنا

راهگشای تحول

کارآمد سازی محتوا، موثر ترین گام در تحول علوم انسانی

مقدمه سردبیر

فاطمه الیاسی

شده از این جهت اهمیت دارد که منجر به تأمل و تفکر شود؛ تأملی از این حیث که آیا در حال حاضر، می‌توان برخی از علوم موجود در جامعه اسلامی را نافع، سودمند و کاربردی دانست؟ نگاهی مقایسه‌ای و تجربه‌ای به وسعت سال‌های متمادی نشان می‌دهد علوم انسانی فعلی و برخی از دروس مورد تدریس آن در دانشگاه‌ها، گرفتار آسیب‌های جدی هستند. آسیبی از جنس سازگار نبودن با جهان بینی و مبانی دینی ما و ناتوانی در حل مسائل و مشکلات جامعه و... پس از پیروزی انقلاب و به وقوع پیوستن انقلاب فرهنگی، برای تقویت علوم انسانی و به وجود آوردن تغییرات در محتوای دروس، تلاش‌هایی شده است؛ اما شواهد نشان می‌دهد این میزان از تغییرات مطلوب نبوده و ما نیازمند انجام اقدامات متعدد دیگری در جهت تحقق این هدف و کارآمدسازی این علوم هستیم. اگر طی کردن این مسیر بدون هیچ تغییر و تحول جدی ادامه پیدا کند، آسیب‌ها و نتایج نامطلوبی همچون انتقال ارزش‌ها و مبانی معارض با اسلام، نداشتن نگاه اسلامی، تربیت دانش‌آموختگان بر اساس این مبانی نادرست، ناتوانی در حل مسائل و مشکلات و... برجای خواهد گذاشت.

بررسی آیات و روایات و شواهد تاریخی نشان می‌دهد علم و علم‌آموزی در دین اسلام جایگاه بسیار ویژه‌ای دارد آنقدر که شاید میزان ارزشمندی علم و توصیفات آن در دین اسلام قابل مقایسه با دیگر مکاتب نباشد. در نگاه اسلامی، علم زمانی ارزشمند است که نافع باشد؛ همان‌گونه که پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «خَيْرُ الْعِلْمِ مَا نَفَع» بهترین علم و دانش آن است که سودمند و فایده‌بخش باشد». برای علم نافع، تعبیرات و توصیفات بسیاری بیان شده است از جمله علم کاربردی، عقلانی، محرک در جهت عبودیت، مطابق با فطرت انسان و... در میان این صفات، شاید بتوان علم نافع را به گونه‌ای متصف نمود که هم جامع همه صفات باشد و هم عالی‌ترین تعبیر؛ و آن اینست که علم مایه هدایت انسان شود و او را در مسیر تکامل و سعادت رهنمون سازد؛ اما اگر به واسطه این علم، انسان در چنگال مادیات و ضلالت و گمراهی گرفتار شود و آخرتش تباہ گردد نمی‌توان آن را پسندیده و مطلوب تفسیر نمود. به هر صورت، موارد بیان



صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان مستقل دانشگاه علامه طباطبائی (ره)
مدیر مسئول: محمدعلی شبانی سردبیر: فاطمه الیاسی ویراستار: فاطمه الیاسی صفحه‌آرایی: فاطمه پیلور خورشیدی
هیئت تحریریه: فاطمه پیلور خورشیدی، فاطمه الیاسی، مهسا بهرامی جم، فرشته وفائیان، زهرا بلندی، جعفر افتخاری

تحولی از جنس محتوا

نگاهی به آسیب‌های اسلامی نبودن محتوای کتب درسی و ضرورت اصلاح آن

همه تحرکات برتر در یک جامعه، مثل یک کالبد است که روح آن، علوم انسانی است و دانشگاه به عنوان یکی از نهادهای اصلی متولی تربیت نیروی انسانی، انسان‌ساز و تولیدکننده علوم مورد نیاز جامعه، نقش بسیار مهمی در اسلامی کردن جامعه و فرهنگ دارد. در حال حاضر، حدود دو میلیون دانشجوی علوم انسانی در کشور وجود دارد و این مجموعه عظیم از دانشجویان علوم انسانی ملزم می‌کند که بیشتر از قبل به بررسی علوم انسانی و به دنبال آن، اساتید و منابع و محتوای علوم انسانی برویم.

گذری بر وضعیت علوم انسانی فعلی

علوم انسانی که در حال حاضر در سطح کشور ارائه شده و در جریان‌سازی‌های فکری و تحقیق و تدریس مورد استفاده قرار می‌گیرد، گرفتار آسیب‌ها و مشکلات جدی است. یکی از آسیب‌های علوم انسانی، ضعف محتوای کتب درسی است که مشکلاتی همچون ترجمه‌های بودن، سازگار نبودن با مبانی و ارزش‌های اسلامی، کاربردی نبودن و... را به دوش می‌کشد. این در حالی است که علوم انسانی هر کشور باید منطبق بر فرهنگ بومی و درونی آن جامعه باشد تا توانایی پاسخگویی به مشکلات آن را داشته باشد. بومی کردن علوم انسانی، اولین و مهم‌ترین اقدام در راستای نیل به این هدف است تا پاسخگوی نیازهای فطری، دینی و اسلامی ایرانی باشد. البته تلاش

برای اسلامی‌سازی و تغییر محتوای کتب درسی، موضوع تازه‌ای نیست و از نظر تاریخی به ماجرای انقلاب فرهنگی باز می‌گردد که قرار بود با تحول محتوایی در رشته‌های علوم انسانی و علوم اجتماعی بر مبنای ارزش‌های اسلامی، دانشگاه از عناصر غربی پاکسازی شود. در این سال‌ها نهادها، کارگروه‌ها و برنامه‌های مختلفی برای ایجاد این تغییرات و تحولات شکل گرفته است اما همچنان ضعف‌ها و کمبودهای بسیاری در این حوزه وجود دارد.

ضعف محتوایی: آسیب‌ها و راهکارها

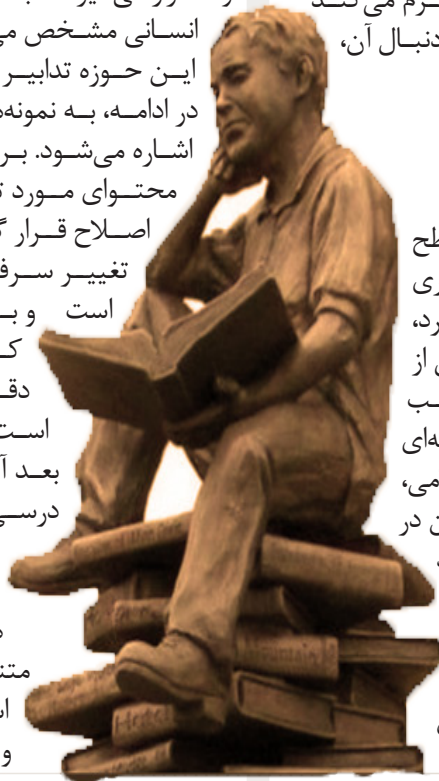
همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، علوم انسانی فعلی از لحاظ محتوایی، دچار ضعف است. ضعف محتوایی و تدریس کتب به دانشجویان در دانشگاه‌ها و وجود اساتید غرب‌گرا نتایج نامطلوبی را به دنبال دارد. امروزه در دانشگاه‌ها اساتیدی وجود دارند که با صحبت‌های خود بذر ناامیدی، وابستگی، بیگانه بودن یا فرهنگ خودی را در دل دانشجویان می‌پاشند.

بسیاری نیز نه تنها، استفاده از این علوم را مشکل‌ساز و قابل نقد نمی‌دانند بلکه به تقابل مبانی دینی می‌پردازند. همچنین محتواهایی که در دانشگاه تدریس می‌شود تعارض جدی با آموزه‌های دینی دارد. با ادامه این روند در طولانی‌مدت، نسلی تربیت خواهد شد که از نظر اعتقادی نسبت به آموزه‌های دینی دچار شکاکیت می‌شود و نسبت به بسیاری از مسائل نگاه غیراسلامی دارد. متأسفانه با چنین محتواهایی ما دانشجویانی متناسب با نیاز جامعه غربی تربیت خواهیم کرد که در خدمت غرب باشند. همچنین یکی دیگر از آسیب‌های علوم انسانی موجود بنابر فرمایشات مقام معظم رهبری، این است که اگر چنین محتواهایی رایج شود مدیران بر اساس آن‌ها تربیت می‌شوند و در رأس مسائل داخلی، خارجی، امنیت، اقتصاد و... قرار می‌گیرند. با این توصیفات، اهمیت محتوا در علوم انسانی مشخص می‌شود و نیاز است برای حل مشکلات این حوزه تدابیر و راه‌حل‌هایی در نظر گرفته شود که در ادامه، به نمونه‌هایی از این راه‌حل‌ها به صورت کلی اشاره می‌شود. برای نمونه در چنین شرایطی نیاز است محتوای مورد تدریس در دانشگاه‌ها مورد بازنگری و اصلاح قرار گیرد. بسیاری گمان می‌کنند صرف تغییر سرفصل دروس و برنامه‌های آموزشی کافی است و به محتوا توجه چندانی ندارند! در صورتی که انجام این کار، در کوتاه‌مدت و بدون دقت کافی امکان‌پذیر نخواهد بود و نیاز است همه جوانب در نظر گرفته شود. نکته بعد آنکه، در مراحل بعدی نیاز است کتب درسی متناسب با علوم انسانی اسلامی در تعداد مناسب تولید شود و نظریات نیز متناسب با مبانی اسلامی باشند. همان‌گونه که وجود کتب درسی متناسب با علوم انسانی اسلامی ضروری است تربیت اساتیدی که با ارزش‌ها و مبانی اسلامی همسو هستند نیز ضرورتی غیرقابل انکار دارد.

سخن پایانی

ذکر این نکته حائز اهمیت است که موارد بیان شده، به این معنا نیست که با تحقق هدف تحول علوم انسانی، نظریه‌های غربی و تدریس آن‌ها به طور کامل کنار گذاشته شود؛ بلکه هدف این است در شرایط فعلی رویکرد تقلیدی و مصرف‌کنندگی علم تغییر یابد.

همچنین باید توجه داشت عملی ساختن این راهکارها و اقدامات، علاوه‌بر آنکه حضور افراد با نقش‌های مختلف در عرصه تحول علوم انسانی را می‌طلبد به حمایت همه‌جانبه نهادها و سیاست‌گذاران این حوزه، همکاری مراکز و پرهیز از موازی‌کاری در اقدامات هم نیاز دارد تا در نهایت شاهد جوشش علمی، از درون مبانی فکری و اعتقادی خودمان باشیم.



جهاد علمی لازمه تحول

ضرورت تولید علم و نظریه‌پردازی در تحقق هدف علوم انسانی اسلامی

امروزه با فضایی در جهان مواجه هستیم که علوم مختلف با دستاوردهای جدید پژوهشگران متحول می‌شوند و رشد و تعالی در عرصه‌های گوناگون را برای بشر به ارمغان می‌آورند. براساس همین قاعده، مدت زیادی است که بحث تحول علوم انسانی و اسلامی‌سازی آن در کشور ما مطرح گردیده و بسیاری در تلاش هستند با به کارگیری ابزارهای مختلف سهمی در تحقق این هدف داشته باشند. با توجه به اینکه بحث تحول در علوم انسانی نیز، همانند بسیاری از تغییرات و تحولات علمی در کوتاه‌مدت امکان‌پذیر نبوده در نتیجه، ما برای هموار شدن مسیر تحول، نیازمند انجام اقدامات متعدد در حوزه‌های گوناگون هستیم؛ زیرا هر یک از این افعال سهم بسزایی در پیشبرد اهداف ایفا خواهند کرد. در این نوشتار، به موضوع نظریه‌پردازی و پژوهش و مباحث پیرامون آن به عنوان یکی از عوامل مؤثر در اسلامی‌سازی علوم انسانی می‌پردازیم.

جهشی برای ایجاد یک حرکت علمی فراگیر

بسیاری از مباحث حال حاضر علوم انسانی، نتیجه ترجمه و تقلید از کتب غربی و نظریات آنهاست. هر چه روند مصرف‌کنندگی علم ادامه پیدا کند بیشتر به این نکته پی خواهیم برد که بسیاری از این نظریات، توانایی حل مسائل و مشکلات جامعه ما را نخواهند داشت! چون مبتنی بر جهان‌بینی جامعه ما نیستند. پس ما برای حل این مشکل نیازمند امر مهمی به نام «تولید علم» هستیم.

نظریه‌پردازی و پژوهش از جمله عواملی است که در تولید علم تأثیرگذار خواهد بود. این عامل در سایر جوامع نیز به عنوان سرمنشأ تحول بسیاری از علوم، به شمار می‌رود و ما پیشرفت‌ها و تحولات در علوم را مدیون افرادی هستیم که با نوآوری‌ها و نظریه‌های خود در مسیر پر فراز و نشیب تغییر وضع موجود و تبدیل آن به وضعیت مطلوب، گام برداشتند. بحث نظریه‌پردازی و تولید علم آنقدر اهمیت دارد که رهبر معظم انقلاب در ابلاغ سیاست‌های کلی علم و فناوری، نسبت به این موضوع تأکید بسیاری داشته‌اند و مواردی همچون جهاد علمی، تولید علم، نظریه‌پردازی و تحول و ارتقا علوم انسانی و... را مطرح می‌کنند.

شاید بتوان ضعف نظریه‌پردازی و پژوهش‌های کاربردی را، به عنوان یکی از آسیب‌های موجود در شرایط فعلی تحول علوم انسانی نام برد. در بحث نظریه‌پردازی برای ارتقا علوم انسانی ذکر چند نکته ضرورت دارد: اول آنکه، ما برای تحول نیازمند نظریه‌های جدیدی در علوم انسانی هستیم که این نظریه‌ها باید از دو مؤلفه تخصصی بودن و ناسازگار نبودن با آموزه‌های دینی برخوردار باشند و دوم آنکه، پژوهش‌ها در راستای اسلامی‌سازی علوم انسانی جهت پیدا کنند؛ چون ما در فضای علمی و آموزشی کشور شاهد تولید و تدوین مقالات، پژوهش‌ها و پایان‌نامه‌هایی هستیم که کاربردی نیستند. اگر به این جهت‌دار شدن توجه داشته باشیم می‌توانیم موضوعاتی متناسب با اسلامی‌سازی علوم انسانی به جامعه علمی

پیشنهاد دهیم که هر کدام‌شان، حاوی ایده‌ها، نوآوری‌ها و نظریاتی هستند که می‌توان از آنها برای تحقق هدف تحول علوم انسانی بهره برد

به صورت کلی در تحول علوم انسانی به وجود آمدن یک حرکت فراگیر در جامعه -به ویژه در فضای علمی و آموزشی کشور- بسیار حائز اهمیت است. حرکت فراگیر یعنی ما نیازمند تلاش مجاهدانه، حرکت فعال و چندجانبه از سوی افراد هستیم. یعنی دانشجویان برای نظریه‌پردازی تلاش کنند و به تعبیر رهبری نگاه کلان به اهداف انقلاب داشته باشند، اساتید دانشگاهی به کار علمی در حوزه علوم انسانی اسلامی بپردازند، تعداد مراکز و فعالیت‌های پژوهشی، مناظرات علمی و کرسی‌های آزاداندیشی در علوم انسانی افزایش پیدا کند و متقابلاً از نظریه‌پردازی، پژوهشگران و نتایج پژوهش آن‌ها در علوم انسانی به نسبت علوم تجربی حمایت شود.

تأسیس یک نظام اعتبارسنجی مناسب

علاوه بر موارد گفته شده یکی دیگر از مباحث پیرامون پژوهش و نظریه‌پردازی که ضرورت دارد درباره آن سخن بگوییم بحث استقرار یک نظام اعتبارسنجی و ایجاد یک زیرساخت مناسب برای نشر تولیدات پژوهشی مرتبط با علوم انسانی اسلامی است. یعنی اگر فرض کنیم تولیدات مؤثر در ارتقا علوم انسانی افزایش قابل توجهی پیدا کردند اما وقتی یک زیرساخت و نظام اعتبارسنجی مناسب برای انتشار آن‌ها مطرح شدن در فضای بین‌المللی وجود نداشته باشد چه فایده‌ای دارد؟ بر همین اساس یکی از مطالبات مقام معظم رهبری در این حوزه، تأسیس مرکز ISI اسلامی است. ایشان در سال ۸۳ و در دیداری که با جمعی از رؤسای دانشگاه‌ها داشتند به این نکته اشاره می‌کنند که بعضی از مجلات ISI، مقالات ما را چاپ نمی‌کنند چون با مبانی و ارزش‌های غربی سازگار نیست! بر اساس فرمایشات ایشان، تأسیس چنین مرکزی نتایج مثبتی را برای ما به دنبال دارد از جمله اینکه یک مرجع معتبر در جهان اسلام ایجاد می‌شود که پژوهشگران ما در حوزه علوم انسانی به آن مراجعه کنند. البته ایشان تأکید می‌کنند تأسیس این مرجع، نافی تعامل با اسلام نخواهد بود؛ چراکه مقالات مورد قبول این پایگاه، قابل استفاده در کشور باشد می‌توان با آن نیز تعامل داشت.

به صورت کلی بحث درباره مسائل مرتبط با تحول علوم انسانی بسیار گسترده است؛ در این متن تلاش شد تا یکی از دغدغه‌های مهم در این حوزه، هر چند به صورت کوتاه مطرح شود. ضروری است با بهره‌گیری از راهکارها و اقدامات مطلوب و سیاست‌گذاری‌های صحیح، گام برداشتن در مسیر تحول برای رسیدن به این هدف متعالی هموارتر شود



مسائل مهم کشور ابتدا برای خود شخص و سپس برای مجموعه دانشجویی و دیگران انجام شود.

نقش آفرینی افشار در جهاد تبیین

از آن جهت که جهاد تبیین مربوط به بعد فرهنگی است، نمی‌توان آن را محدود به گروه خاصی دانست؛ زیرا فرهنگ عمومیت دارد و منحصر به بخش خاصی نیست. در این جهاد همه مردم و مسئولین نقش آفرینی می‌کنند. البته گاهی مسئولیت یک فرد یا یک گروه به دلیل جایگاه فرهنگی که دارند پررنگ‌تر و عمیق‌تر است. برای مثال تبیین توسط صدا و سیما به مراتب پرمخاطب‌تر از تبیین در یک همایش فرهنگی است و این است که مسئولیت نهاد صدا و سیما جمهوری اسلامی را سنگین‌تر می‌کند. اما به طور کلی می‌توان گفت هر فرد در هر جایگاهی اگر تبیین را به چشم یک جهاد واجب بداند و برای آن تلاش کند، بسیاری از اختلافات برطرف می‌شوند چرا که ریشه اکثر اختلافات در برداشت غلط از مسائلی است که تبیین نشده‌اند.

شیوه‌های گوناگون جهاد

اشاره شد که جهاد تبیین مربوط به بعد فرهنگی است بنابراین نمی‌شود آن را محدود به یک یا چند روش خاص دانست. هرگونه تلاش در صورتی که به شکل صحیح و اصولی انجام شود می‌تواند اثرگذاری مطلوبی داشته باشد. این تلاش می‌تواند در قالب اقدامات متنوعی انجام شود. اقداماتی نظیر تحریر محتوای نوشتاری (کتاب، نشریه، بروشور، پوستر)، تولید محتوای تصویری (فیلم، سریال، مستند، کلیپ، موشن گرافی، کاریکاتور و...)، سخنرانی، طرح شبهه و پاسخ و برگزاری همایش‌های تربیون آزاد دانشگاهی و اجتماعی. برای مثال سخنرانی امام جمعه در مورد مسائل اجتماعی در نماز جمعه یکی از مصادیق جهاد تبیین است که متأسفانه گاهی دست کم گرفته شده و انرژی لازم برای آن صرف نمی‌شود.

علاوه بر این‌ها، جهاد تبیین قابلیت اجرا در بسترهای متنوع را دارد؛ هم می‌تواند در فضای مجازی انجام شود و هم در فضای حقیقی. تعدد پلتفرم‌ها در فضای مجازی و تعدد مکان‌های فضای حقیقی نیز محدودیت چندانی برای این جهاد ایجاد نمی‌کند. البته شیوه تبیین در هر بستری یکسان نیست و منظور از اجرایی بودن تبیین در بسترهای مختلف صرفاً از جهت قابلیت اجرایی است. برای مثال شیوه تبیین مسئله اقتصاد مقاومتی در فضای علمی-دانشگاهی، می‌تواند متفاوت از شیوه تبیین این مسئله در فضای مجازی باشد.

پیش‌نیازهای جهاد تبیین

ورود به هر حوزه‌ای بدون اطلاع از پیش‌نیازهای آن، قطعاً خسارت‌هایی را به همراه دارد. جهاد تبیین نیز پیش‌نیازهایی دارد که راه را برای تبیین اصولی و کامل، هموارتر می‌کند. به طور خلاصه می‌توان گفت لازمه یک جهاد بی‌نقص، تهذیب نفس، شجاعت و سلحشوری است و لازمه یک تبیین بی‌نقص، لحن مناسب، استفاده از منابع صحیح و مورد قبول عموم، بیان کامل حقایق و تعصب نداشتن و جانب‌داری است.

و اما تمامی مواردی که اشاره شد، نیازمند آن است که ابتدا «جهاد تبیین» را در قامت یک جهاد واجب و ضروری بدانیم. زمانی که اهمیت این جهاد درک شود و پیش‌نیازهای آن نیز در حد توان فراهم شوند، یقیناً جامعه‌ای آماده‌تر برای ایجاد تمدن نوین اسلامی خواهیم داشت.

جهاد تبیین فریضه‌ای انقلابی

نگاهی به دلایل اهمیت تبیین و پیشنهاد روش‌هایی در راستای یک جهاد حیاتی

مدتی است که رهبر معظم انقلاب عبارت «جهاد تبیین» را مطرح کرده‌اند. در این یادداشت سعی شده به خصوصیات این جهاد و روش‌های آن پرداخته شود.

دلیل به‌کارگیری واژه جهاد

تبیین کلیدواژه‌های اصلی انقلاب اسلامی به حدی حائز اهمیت است که در بیانات رهبری از آن با عنوان «جهاد» یاد شده است. جهاد در لغت به معنی نبرد است و در اصطلاح دینی به تلاش در راه خدا برای گسترش اسلام یا دفاع از اسلام، جهاد گفته می‌شود. جهاد روش‌ها و ابزار مختلفی دارد؛ می‌تواند با بذل اموال باشد و همچنین می‌تواند با هزینه کردن از جان یا سایر داشته‌های انسان انجام بگیرد. امروزه به دلیل تحریفات بی‌رحمانه و البته هوشمندانه دشمنان، این الزام وجود دارد که انقلابیون تبیین مسائل کلیدی را در جایگاه یک جهاد ببینند. علاوه بر این‌ها، اطلاق واژه جهاد برای تلاش در جهت تبیین، یک بعد عبادی به تبیین می‌دهد؛ جهاد در اسلام یک عبادت تلقی می‌شود و به کارگیری این واژه توسط رهبر معظم انقلاب، انتخابی حکیمانه است که بر اهمیت وظیفه تبیین، تأکید می‌کند.

نقش جهاد تبیین در اجرایی شدن توصیه‌های بیانیه گام دوم انقلاب

اجرایی شدن بیانیه گام دوم را نمی‌توان جدا از جهاد تبیین تصور کرد. تا زمانی که تعریف صحیحی از کلیدواژه‌های اصلی انقلاب اسلامی در جامعه ارائه و پذیرفته نشود، نمی‌توانیم انتظار پیشرفت مؤثر داشته باشیم چراکه پیشرفت نیازمند یک چشم‌انداز صحیح است؛ چشم‌اندازی جامع که بتواند سرگذشت ایران را پیش از انقلاب اسلامی بیان کند، وقایع بعد از سال پنجاه و هفت را به درستی نمایان کند و همچنین بتواند ظرفیت‌های پیشرفت کشور در آینده را با بررسی‌های آماری صحیح ارائه نماید. تمامی مواردی که اشاره شد نیازمند یک درک صحیح و یکسان است که تنها راه ایجاد این درک مشترک، تبیین است.

اهمیت تبیین در ابعاد مختلف

امروزه به دلایل مختلف، بیش از هر زمان دیگر نیازمند جهادی جدی در زمینه تبیین هستیم. دلایل متعددی از قبیل کم‌کاری انقلابیون در بعد سیاست و فرهنگ، پرکاری دشمنان در زمینه تحریفات تاریخی و سیاسی، تخصص نداشتن مدیران فرهنگی، بی‌توجهی به جوان‌گرایی و... که باعث شده‌اند برخی از کلیدواژه‌های اساسی حتی برای انقلابیون نیز تا حدودی مبهم باشد. به همین دلیل در بیانات رهبری در دیدار با دانشجویان اشاره شده است که باید تبیین در

حلقه مفقوده ای در جامعه

ضرورت توسعه فرهنگ قرآنی در جامعه زیر سایه تعالیم قرآن

با توجه به اینکه دین ما اسلام و مذهب ما تشیع است، اما متأسفانه امروزه فرهنگ ما در راستای اسلام پیش نمی‌رود. فرهنگی که باید مطابق عروض و منویات اسلام تشکیل شود، متأثر از قرآن و حاکم بر بینش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای فردی و اجتماعی باشد و در کلیه سطوح سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی نظام جمهوری اسلامی جاری باشد؛ اما به وضوح می‌بینیم که در کشور ما متأسفانه تأثیر فرهنگ لیبرال و غرب‌گرا در فرهنگ ایرانی بسیار پررنگ‌تر است. باید توجه داشت که این جریان هرگز نباید ادامه یابد؛ زیرا عواقب آن دامن‌گیر همهٔ افراد در جامعه‌ای با فرهنگ خودباخته خواهد بود.

اثر بخشی انس با قرآن در جهت تحقق توسعه فرهنگ قرآنی

از افعال کاربردی در جهت تحقق هدف نظام‌سازی قرآنی، تولید مضامین قرآنی و محصولات قرآنی است. در این خصوص می‌توان به مسائلی چون وقف، اخلاص در نیات و جهاد مستمر، انفال، انتشار و توسعه‌ی توصیه‌ها و واجبات قرآنی و رجوع به آنها، تحذر از حرامات و همچنین اهتمام‌ورزی به اسما و صفات قرآنی اشاره نمود.

موضوعات فوق که نام برده شد شاید در نگاه اول کوچک به نظر برسد اما تأثیرات فراوانی در جوامع خواهد داشت. عمل به آنها در جوامع اسلامی، موجب پیشرفت و پیمودن مسیری صحیح طبق فرمایشات اسلام خواهد بود. ضمن اینکه در اصل اول قانون اساسی و سخنان امام خمینی رحمه‌الله و مقام معظم رهبری به اهمیت حاکمیت قرآن بر لزوم شکل‌گیری عزم ملی و ارادهٔ هماهنگ مدیران ارشد نظام برای توسعه فرهنگ و ساماندهی فعالیت‌های قرآنی به عنوان مقدمه آن تأکید شده است.

قرآن در زندگی انسان‌ها بسیار تأثیرگذار است زیرا فرمایشات خداوند متعال در قرآن موجب سعادت انسان چه در دنیای فانی و چه دنیای ابدی خواهد بود. خداوند در قرآن کریم در حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و... توصیه‌های وافر فرمودند که در زمینه اخلاق می‌توان به

نوع



که بسیار حائز اهمیت است؛ زیرا برای ایجاد یک فرهنگ قرآنی صحیح باید از پایه شروع کرد. در واقع، تربیت کودکان و دعوت از آن‌ها برای شرکت در مجالس قرآنی، یادگیری و حفظ قرآن، تفهیم آن‌ها در رابطه با آموزه‌های قرآنی و عمل به آن، موجب می‌شود تعداد نیروهای فعال، انقلابی و پای کار افزایش یابد.

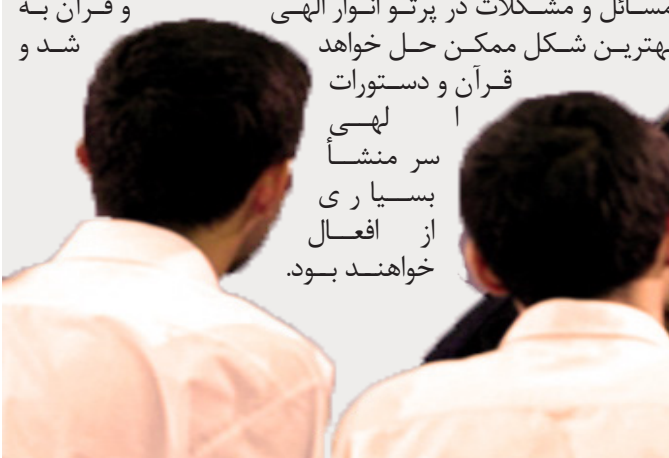


حفظ قرآن و تحقق یک مطالبه‌ی مهم

از نکات بسیار مهم در زمینه توسعه فرهنگ قرآنی و تدبیر در قرآن، حفظ آن است که مقام معظم رهبری نیز در ۱۱ مرداد سال ۹۸ در دیدار با جامعه قرآنی کشور به آن اشاره داشته و فرمودند: «یکی از چیزهایی که می‌تواند تدبیر در قرآن را به ما ارزانی بدارد، حفظ قرآن است. ایشان همچنین اشاره کردند کشور ما باید حداقل یک میلیون نفر حافظ قرآن داشته باشد، البته یک میلیون عدد کمی است و با توجه به مقدماتی که فراهم شده ان شاءالله امید است که ۱۰ میلیون نفر حافظ قرآن داشته باشیم».

با توجه به بیانات رهبری مبنی بر تربیت ۱۰ میلیون نفر حافظ قرآن، باید مؤسساتی چون شورای توسعه فرهنگ قرآن، وزارت آموزش و پرورش، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان دارالقرآن الکریم و مؤسسات و نهادهای قرآنی سراسر کشور این فرمایش را در برنامه‌های خود قرار دهند و برای اجرای آن بکوشند. البته نتایج حاصل از تلاش‌های این سازمان‌ها را می‌توان در تعداد حافظان قرآن کریم برآورد نمود اما بسیاری از کارشناسان معتقدند ارائه آمارهای ارائه شده از سوی سازمان‌ها و نهادهای قرآنی مربوط به تعداد حافظان قرآن کریم با واقعیت منطبق نیست. این امر یکی از مطالبات رهبری در سال ۹۸ بوده و با توجه به اینکه یادگیری تعالیم قرآن کریم و تربیت ۱۰ میلیون نفر حافظ قرآن در حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی تأثیرات زیادی دارد و موجب خلق تحولی عظیم در کشور خواهد شد؛ ضروری است با تلاش همه‌جانبه و اقدامات مؤثر این هدف متعالی و ارزشمند تحقق پیدا کند تا شاهد بسط و توسعه روزافزون قرآن در فرهنگ جامعه و در میان افراد مختلف باشیم. آن زمان است که بسیاری از مسائل و مشکلات در پرتو انوار الهی و قرآن به بهترین شکل ممکن حل خواهد شد و دستورات

ا الهی
سر منشأ
بسیاری
از افعال
خواهند بود.



سراب‌های معنویت

بررسی عرفان اسلامی و مقایسه آن با عرفان‌های نوظهور

اسلام، از ادیان توحیدی و ابراهیمی است. پیام‌آور این دین حضرت محمد (ص) است که از نظر مسلمانان، ایشان آخرین پیامبر الهی و اسلام آخرین و کامل‌ترین دین است؛ چون مبانی موجود در دین اسلام با در نظر گرفتن همه ابعاد و جنبه‌های زندگی بشر تنها راه سعادت آن به شمار می‌رود. همان‌طور که خداوند متعال در آیه ۱۵۳ سوره انعام می‌فرماید: «أَنْ هَذَا صِرَاطٍ مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السَّبِيلَ فَتَفْرَقَ بَيْنَكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ». اما متأسفانه در عصر امروز جنبش‌های معنوی و عرفان‌های نوظهور به دلایل مختلفی از جمله پاسخگویی به عطش معنوی بشر و جلوگیری از روی آوردن به ادیان سنتی و... در حال گسترش هستند و افراد زیادی را گرفتار این سراب‌های دروغین می‌کنند. با توجه به اهمیت این موضوع در این نوشته به عرفان‌های نوظهور و مقایسه آن با عرفان از منظر اسلام می‌پردازیم.

گذری بر عرفان و مقوله باطنی آن

ابتدا باید دید عرفان چگونه معنا و تفسیر می‌شود و تعریف عرفان چیست؟ شناختی که بر اثر سیر و سلوک و مجاهدت با نفس از دریافت‌های باطنی، به دست می‌آید عرفان گویند. در این راه، کوشش فراوانی خرج داده شده و اندیشه‌های گوناگونی پدید آمده که بر اثر آن‌ها مکتب‌های متنوع و مختلفی به وجود آمده است. در عرفان‌های توحیدی شناخت خداوند متعال اهمیت دارد. معتقدان به عرفان توحیدی همیشه به دنبال توحید هستند و هرگونه شرک و تکثرپرستی را ذلت می‌دانند.

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد امروزه جنبش‌های معنوی و عرفان‌های نوظهور در حال گسترش هستند و افراد زیادی را در دام معنویت کاذب گرفتار می‌کنند. این جنبش‌های معنوی نوپدید، رهاورد مدرنیته غربی‌اند. شریعت‌گریزی و رهایی از انجام تکالیف و دستورات الهی از مهم‌ترین اشتراکات جنبش‌های معنوی نوپدید هستند. شریعت‌گریزی در عرفان‌های نوظهور بر پایه باورهایی بنا نهاده شده که از ضعف فکری بنیان‌گذاران این معنویت‌ها در مبانی خداشناسی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی نشأت می‌گیرد. مهم‌ترین خطر عرفان‌های نوظهور ناظر به دین و دستورات دینی است؛ چون آموزه‌ها از خدامحوری به سمت انسان‌محوری و دنیاگرایی تغییر مسیر داده‌اند و با هدف دور کردن انسان از انسانیت به وجود آمده‌اند.

بررسی وجوه تمایز عرفان اسلامی با عرفان‌های کاذب

برای فهم و شناخت عرفان‌های غیر اسلامی خوب است با دقت فراوان وجوه تمایز عرفان اسلامی با این مکاتب دیده شود تا در تشخیص مصداق دچار سردرگمی نشویم.

۱. در عرفان اسلامی نه تنها به فطرت بلکه به تمام ابعاد فطرت انسان توجه می‌شود اما، در عرفان‌های کاذب یا فطرت اصلاً دیده نمی‌شود و یا فقط به شکل تک‌بعدی گرایش‌های فطری مورد توجه قرار می‌گیرد. بماند که همان یک بعد هم به سامانی نمی‌رسد.

۲. در عرفان‌های غیر اسلامی، بنیاد اخلاق سست و ضداخلاقی آنچنان ترویج می‌شود که دیگر خصلت‌های نیکوی اخلاقی سرکوب می‌شود. این عرفان‌ها گاهی به نام اخلاق، خواری و ذلت و ظالم‌پروری را به عنوان نتیجه و محصول خود به پیروانشان تحمیل می‌کنند.

۳. در اسلام، عرفان در یک نظام اعتقادی جامع با محوریت توحید و یکتاپرستی جای گرفته است. در این نظام جامع همان‌طور که رشد معنوی پیش‌بینی شده، مبارزه با ظلم هم دیده شده است.

۴. در عرفان اسلامی راه رسیدن به خداوند از طریق احکام شرعی و فروعات فقهی می‌گذرد و هدف عبودیت و بندگی است.

علل به وجود آمدن عرفان‌ها و جنبش‌های نوظهور

موارد زیر، از جمله علل به وجود آمدن عرفان‌ها و جنبش‌های نوظهور به شمار می‌روند:

۱. کاستی‌های ادیان سنتی، خصوصاً عملکرد بد کلیسا و خودخواهی‌های آن‌ها.

۲. گرایش به معنویت که یک گرایش اصیل است، به همین دلیل برخی معتقدند که بشر در عصر بحران معنویت به این جنبش‌های معنوی نوین برای پاسخ گرفتن نیازهای امروز نیاز دارد.

۳. تجربه لذت معنوی که هر انسانی خواهان رسیدن به این لذت مسائل معنوی است.

۴. مسائل اقتصادی، که در برخی از این فرقه‌ها پول‌های فراوانی از طرفدارانشان گرفته شده است.

۵. مسائل سیاسی، که برای رسیدن به مقاصد سیاسی خود به تولید برخی از این فرق دست زده‌اند.

۶. انقلاب اسلامی و جلب توجه به شیعه که خود می‌تواند دلیلی دیگر برای افزایش تعداد این عرفان‌ها به جهت جلوگیری از توجه غرب به مکتب تشیع باشد.

اما علت اصلی پیدایش این جنبش‌ها را می‌توان در یک نکته مهم دانست و آن این است که مردم در عصر حاضر وقت کمتری برای بالا بردن سطح معلومات دینی خود صرف می‌کنند و این خالی بودن آن‌ها از معلومات مورد نیاز دینی، باعث شده که زمینه برای سوءاستفاده دیگران فراهم شود. این جنبش‌ها مدعی رفع کردن نیازهای انسان امروزی هستند و هر کدام با توجه به یکی از ابعاد انسان و یا نیاز او دستورالعمل‌هایی داده و از مخاطبین خود عمل به آن‌ها را می‌خواهند.

سخن آخر

ما نمی‌توانیم تولید این جنبش‌ها را متوقف کنیم اما می‌توان با داشتن شناخت کامل از دین خود و جنبش‌های نوظهور، خود و اطرافیانمان را در مقابل این انحراف‌ها بیمه کنیم. شناساندن عرفان اسلامی همچون عصای موسی می‌تواند از دقایق عرفان‌های نوظهور را ببلعد و این احتیاج به تلاش مضاعف اندیشمندان اسلامی دارد.



بر آستانه معرفت

معرفی گنجینه‌هایی از معادن علم و اخلاق

کتاب‌ها مهم‌ترین منابع کسب علم و معرفت هستند که در طی سالیانی براساس تحقیقات و تجربیات، نوشته می‌شوند و دانش‌ها در اختیار عامه قرار می‌گیرند. در دین شریف اسلام که پایه و اساس آن بر اخلاق استوار گشته است کتاب‌های فراوانی نوشته شده که هر کدام موضوعات و ویژگی‌های مخصوصی را در بر دارد. در ادامه به معرفی سه کتاب ارزشمند در حوزه اخلاق و اصول اعتقادی می‌پردازیم.

در بیان لذایذ جهنمی

یکی از کتاب‌های اخلاقی مهم که به رشته تحریر درآمده، کتاب «گناهان کبیره» آیت‌الله دستغیب در دو جلد است. این کتاب از نظر علمی بسیار ارزشمند و از نظر منابع و ارجاعات بسیار استوار است و مطالب را با استفاده از آیه‌ها و روایت‌ها، رسا و شیوا بیان می‌کند. جلد اول کتاب، درباره گناهانی است که علاوه بر اینکه جزء گناهان کبیره هستند وعده‌ی عذاب دارند و جلد دوم مشمول سه نوع گناه است که به آن پرداخته می‌شود. این نوع گناهان: ۱. گناهانی هستند که در قرآن مجید یا روایات معتبر، وعده صریح یا ضمنی به آتش و عذاب بر آن داده شده است. ۲. گناهانی که در کتاب یا سنت، تصریح شده باشد به اینکه یکی از گناهان کبیره‌ای است که کبیره بودنش از روی آیه‌های قرآن یا سنت، قطعی و ثابت شده و بزرگ‌تر است. ۳. گناهانی که نزد دین‌داران، بزرگ است. توبه، شرک به خدا، فروختن اسلحه به کفار، اسراف، تکبر و ... نمونه‌هایی از موضوعات پرداخته شده در این کتاب است.

منبرهای اعتقادی

یکی دیگر از این کتاب‌ها «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن» است که برگرفته از سلسله جلسات مقام معظم رهبری در ماه مبارک رمضان در سال ۱۳۵۳ شمسی، در مشهد مقدس است. در این کتاب به موضوعات اعتقادی ایمان، توحید، نبوت و ولایت پرداخته شده است. کتاب طرح کلی، مباحث ضروری دین را به گونه‌ای دیگر معرفی کرده است؛ یعنی اصول اساسی اعتقادی دین، مبتنی بر آیات قرآن به مخاطب عرضه شده است؛ به گونه‌ای که این اصول اعتقادی از سطح مفاهیم ذهنی خارج شده و رنگ و بوی عملی گرفته‌اند. این کتاب، از جنس کتاب‌های کلامی نیست که روند اثبات و نفی در پیش گرفته باشد، بلکه اصول اصلی اندیشه اسلامی را از روی آیات قرآن و بر مبنای توضیح مسائل اساسی دین تبیین کرده است. با توجه به آنکه مخاطب اصلی جلسات تفسیری معظم له، عموماً قشر

جوان بوده‌اند در مباحث این کتاب، به این قشر توجه جدی شده است. همچنین، مباحث آن با سیره امامان شیعه منطبق است.

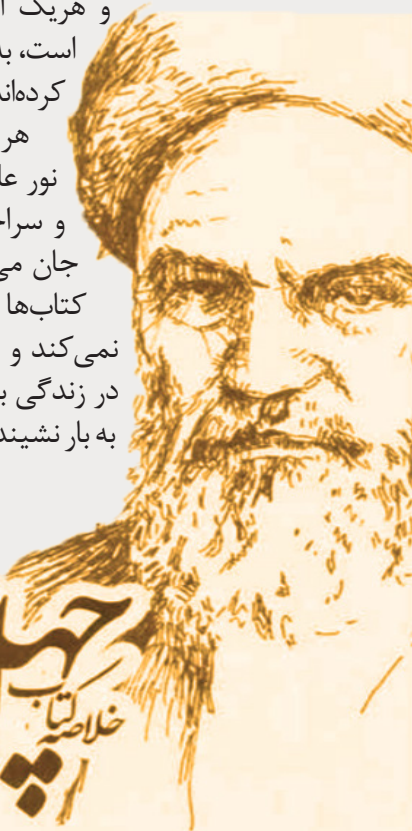


چهل منزل، چهل نور

کتاب دیگری که می‌توان نام برد کتاب «شرح چهل حدیث» اثر امام خمینی (ره) است. امام خمینی این کتاب را در شرح و بیان چهل حدیث از احادیث موروث از معصومان نگاشته‌اند. ۳۳ حدیث از احادیث این کتاب که به شرح

و بیان آن پرداخته شده مربوط به اخلاقیات، مهلکات و منجیات است و مابقی احادیث، در باب اعتقادات و معارف بیان شده است. امام خمینی (ره) مضامین کتاب را در مدرسه فیضیه و ملاصادق در قم، برای شاگردان خود ایراد فرموده بودند، سپس تصمیم گرفتند کتابی در همین زمینه هم تألیف کنند و این کتاب را در ۱۳۸۵ ه.ق. به پایان رساندند. همان‌طور که پیش از این گفته شد ۳۳ حدیث در باب اخلاق گفته شده که امام (ره) تلاش کردند تا پرده از تمویهات نفس بردارند و نکوهیده‌های اخلاقی چون کبر، غضب و ریا و ... را شرح و بسط دهند. همچنین در هر باب از موضوعات بیان شده به آیات قرآن استشهاد شده و سخنان عارفان برجسته نیز در این کتاب به تحریر در آمده است. ۷ حدیث آخر این کتاب در شرح مطالبی است که از سنگین‌ترین و در عین حال عالی‌ترین مطالب و مباحث عرفانی محسوب می‌شود. مباحثی همچون جبر و تفویض عرفانی، بحث ذات و اسماء و صفات حق تعالی، شناخت باری و آفرینش آدم بر صورت او و مانند آن. امام خمینی (ره) این احادیث را که جنبه عرفانی دارند و هریک از مستندات محکم عارفان است، به طبع عارفان شرح و تفسیر کرده‌اند.

هر کتابی دریچه‌ای است که نور علم و معرفت از آن برمی‌تابد و سراچه‌ی تاریک افکار را روح و جان می‌بخشد. برای کسب معارف کتاب‌ها تنها خواندن آن اکتفا نمی‌کند و باید آن را به خاطر سپرد و در زندگی به کار برد تا ثمره‌ی خواندن به بار نشیند.



چهل حدیث
خلاصه‌ی
مجموعه اخلاق